

بهبود وضعیت فضاها و کاربری‌های شهری با استفاده از تئوری تحلیل رفتار متقابل

نویدسعیدی رضوانی، حمیدرضا دانش پور

دکتر در شهرسازی - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین - گروه شهرسازی.

navidsaeidirezvani@yahoo.com

لیسانس معماری و دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.

Hamidrezadaneshpour@yahoo.com

قزوین - دانشگاه آزاد اسلامی - گروه شهرسازی

چکیده

فضاهای عمومی در شهر، باید طوری طراحی شوند که مردم بتوانند از آنها به طور موثر، سودمند، ایمن و با رضایت‌مندی بسیار، استفاده نمایند. یکی از فاکتورها در رضایت‌مندی و خشنودی شهروندان از شهر و فضاهای شهری، ارتباط مؤثر فضاها و کاربری‌های مختلف با «حالات افراد» می‌باشد. هدف از این پژوهش، پاسخ به این سؤال است که هر فضا و کاربری شهری با کدام‌یک از جنبه‌های درونی انسان (کودک، بالغ، والد) ارتباط برقرار می‌نماید تا از این طریق، تدابیری پیش‌بینی شود که هر فضا بتواند نیازهای هر شخص و در هر زمان و با هر «حالت درونی» برآورده نماید. مسلماً چنین شهری می‌تواند آسودگی خاطر و آرامش ساکنین خود را فراهم آورد. در این ارتباط، محققین و پژوهشگران مختلفی به بحث نیازهای انسان و تطبیق اصول روان‌شناسی انسان با مسائل شهری پرداخته‌اند که از این دسته می‌توان به مازلو، لنگ و یونگ اشاره نمود. پژوهش حاضر از نوع اسنادی بوده و به جمع‌آوری اطلاعات و مبانی نظری پرداخته و سپس با تحلیل آن‌ها به ارتباط مؤثر میان این تئوری ("تحلیل رفتار متقابل" Transactional Analysis) که دکتر اریک برن روان‌شناس آمریکایی آن را در دهه پنجاه قرن بیستم مطرح نموده و از آن پس مورد قبول جامعه‌شناسان و روان‌شناسان قرار گرفته است؛ با شهر و شهرسازی پرداخته است. راهکارهای ارائه شده می‌تواند کمکی باشد در گره‌گشایی از مسائل پیچیده شهری و ارتباط آن با شهروندان. از نتایج به دست آمده در این پژوهش، ایجاد طیف گسترده‌ای از فضاها و کاربری‌های مختلف در شهر می‌باشد به طوری که هر شخص با هر شرایط روحی بتواند فضای مورد نیاز خود را در شهر بیابد، با آن ارتباط برقرار نموده و با رضایت خاطر از آن، به زندگی خود بپردازد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل روابط متقابل، حالت درونی (والد، بالغ، کودک)، شهر، فضای شهری، کاربری شهری

۱. مقدمه

بنا به گفته سازمان ملل، آغاز سده بیستم و یکم میلادی هم‌زمان است با تکوین انقلاب شهری نوین در جهان. برای نخستین بار در تاریخ بشر، بیش از نیمی از مردم دنیا در شهرها زندگی می‌کنند و تا سی سال آینده تعداد شهرنشینان جهان دو برابر روستا نشینان خواهد بود [۱- مقدمه]. طی قرن بیستم، جمعیت جهانی به چهار برابر افزایش می‌یابد، جمعیت شهری دست کم پانزده برابر می‌شود. مرکز تجمع جمعیت پنج میلیونی و بیشتر، که تعداد آنها در آغاز قرن بیستم از دو مورد تجاوز نمی‌کرد، هم اکنون به هفتاد و پنج مورد رسیده است. شمار شهرهای دارای بیش از یک میلیون نفر جمعیت از شانزده مورد،

امروزه به بیش از دویست و هشتاد مورد می‌رسد و بر این تعداد در هر سرشماری افزوده می‌شود [۲-۶]. این تمرکز در قرن بیستم خصوصاً در شهرهای بزرگ، جایی که محل انباشت ثروت و سرمایه بود، اتفاق افتاده است. به طوری که در سال ۱۹۹۹، سه میلیارد از مردم دنیا در شهرها و بیش از یک میلیارد نفر در ۳۵۲ کلان‌شهر سراسر جهان زندگی می‌کردند [۳-۱۳]. حال باید دید آیا با این رشد فزاینده جمعیت شهری مهم‌ترین رسالت شهرسازی که همانا رضایت‌مندی ساکنین آن است برآورده می‌شود؟

در دهه‌های اخیر توسعه‌های شهری، بیشتر متوجه مسائل کمی بود و تأمین کمیت در اولویت اول قرار داشته و کیفیت تحت الشعاع کمیت قرار گرفته است، گویی تصور بر این است که کیفیت به دنبال کمیت مطرح می‌شود و این دو به موازات یکدیگر قابل حصول نمی‌باشند. نتیجه طراحی با این پیش فرض، فضایی است که تنها تعدادی عدد و نفر را در خود جای می‌دهد بدون آنکه به نیازها، ادراکات و رفتارهای آنها در زندگی روزمره بهایی داده شود [۴-۱]. به واسطه این امر، غالباً با فضاها و کاربری‌های شهری مواجه می‌شویم که بر چسب نوعی عملکرد خاص بر آن زده می‌شود و عملاً زمینه بروز سایر فعالیت‌ها در آنها تضعیف می‌گردد. هر روزه ما با مسائل متفاوتی در رابطه با عدم ارتباط مناسب افراد با کاربری‌های مختلف شهری مواجه می‌شویم. مثلاً چرا در ادارات کارمندان نمی‌توانند نقش خود را به خوبی انجام دهند و عملاً فعالیت‌های صورت نمی‌گیرد؟ چرا دانش آموزان و دانشجویان در مدارس و دانشگاه‌ها اغلب، کم توجه، کسل و بی‌حوصله هستند و صرفاً در اندیشه به اتمام رساندن آن هستند؟ چرا پارک‌ها و فضاهای سبز شهری از جمعیت جوان و بزرگسال خالی یا حداکثر کودکان را در بر می‌گیرد؟ و بسیاری سوالات مشابه.

در اینجا سؤال اساسی این است که فضاها و کاربری‌های شهری، چگونه می‌تواند با درون افراد مختلف ارتباط برقرار کند تا فرد با آن فضا ارتباطی متقابل برقرار نماید و بتواند وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد؟ آیا در هنگام برنامه‌ریزی برای ساخت فضاها و توسعه کاربری‌های شهری، به روحیه و درون و شرایط روان‌شناختی و نیازهای استفاده‌کنندگان از آن توجه و تفکر می‌شود؟ محققین و پژوهشگران مختلفی به بحث نیازهای انسان و تطبیق اصول روان‌شناسی انسان با مسائل شهری پرداخته‌اند. از جمله می‌توان از مازلو (Mazlo)، لنگ (Lang) و یونگ (Gung) نام برد.

مازلو، روان‌شناس آمریکایی، نیازهای انسان را شناسایی و طبقه‌بندی نموده است. نیازهای ذکر شده از سوی مازلو سلسله مراتبی تشکیل می‌دهند که دارای نکات زیر می‌باشد: (نمودار ۱)



نمودار ۱: سلسله مراتب نیازهای مازلو

نیازهایی که در پایین نردبان انگیزشی هستند، باید پیش از نیازهایی که در پله‌های بالاتر نردبان قرار دارند، ارضا شوند. در واقع نیازهای رده بالاتر ظاهر نمی‌شود مگر آنکه نیازهای رده‌های پایین‌تر، لا اقل تا حدودی ارضا شده باشد. نکته دیگر اینکه، انسان در یک زمان به وسیله همه نیازها به پیش رانده نمی‌شود. در یک زمان تنها یک نیاز غالب است. این که کدام نیاز باشد، بستگی به این دارد که کدام یک یا کدام دسته از نیازهای دیگر قبلاً ارضا شده باشند [۴-۳۳].

۲. روش تحقیق

نوع تحقیق "بنیادی-کاربردی" و روش بررسی آن "اسنادی" است. موضوع مورد مطالعه تحقیق، ارزیابی کاربری‌ها و فضاهای شهری بر اساس تئوری "تحلیل رفتار متقابل" (Transactional Analysis) می‌باشد. در ابتدا از طریق مطالعه و بررسی منابع کتابخانه‌ای، اطلاعات مربوط به پیشینه و دیدگاه‌های نظری مختلف مرتبط با موضوع جمع آوری شده است. با شناخت تئوری ذکر شده فوق و احاطه کامل بر آن، به شناخت وضعیت موجود کاربری‌ها و فضاهای شهری و در کل وضعیت شهر از نظر نوع ارتباط با افراد پرداخته و به جمع‌بندی و تطبیق آن با تئوری حاضر پرداخته شده است. در نهایت با ذکر مثال‌هایی در تطبیق تئوری "تحلیل روابط متقابل" با کاربری‌ها و فضاهای شهری به روشن‌تر شدن و درک بهتر پژوهش کمک می‌شود.

۳. چهارچوب نظری

عصر حاضر دوران روابط پیچیده انسانی و انسان با محیط پیرامونش است که در آن تمام پدیده‌های مربوط به کنش‌ها و واکنش‌ها در مسیر فشار زای خاص خود در جریان است. این روابط پر پیچ و خم و در هم آمیخته اگر در روندهای علمی خود قرار نگیرند مشکلات بسیاری به وجود می‌آورند که نه تنها این مشکلات، اثرات مخربی بر خود شخص دارند بلکه اثرات مهلکی بر سازمان‌ها، نهادها، خانواده‌ها و محیط‌های اجتماعی خواهد داشت [۵-۹]. فضای شهری مصنوعی است سازمان یافته، آراسته و واجد نظم که به صورت بستری برای فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی عمل می‌نماید. انسان، جزئی از فضا است و با ارزش‌ها و هنجارهای خود به این فضا معنا می‌بخشد. الگوهای روابط اجتماعی ثابت نیستند و یک فضا با جایگزین شدن روابط اجتماعی خاص، چهره متفاوتی به خود می‌گیرد [۴-۸۱]. فضاهای شهری همان فضاهای باز و سرپوشیده، شبکه ارتباطی یعنی راه‌ها، میدان‌ها و فضای ورودی هستند و راه‌ها شامل بازارها و معابر می‌شود [۶-۱۷]. فضاهای شهری، فضای مورد استفاده عموم‌اند و به همین دلیل وظیفه عموم در برابر فضاهای شهری، تنها مختص به زیبا سازی فضاهای باز عمومی نیست بلکه واحدهای همسایگی، خیابان‌ها و فضاهای بین ساختمان‌ها را نیز در بر می‌گیرد [۷-۱۲]. کاربری زمین-land use- یا کاربری اراضی و یا نحوه استفاده از اراضی، عبارت است از بررسی نوع استفاده از زمین به نسبت انواع فعالیت‌های مختلف اعم از بهداشتی، درمانی، مسکونی، اداری و تجاری [۸-۸].

تحلیل رفتار متقابل یا (TA) یک تئوری روان‌شناسی است که توسط دکتر اریک برن (Eric Berne ۱۹۱۰-۱۹۷۰) در سال ۱۹۵۰ میلادی ارائه گردید و به لحاظ کاربرد آن در حل مشکلات احساسی و رفتاری، مورد قبول جامعه روان‌شناسی قرار گرفته و تدریجاً در زمینه‌های مشاوره، روان‌کاوی، گروه درمانی، مدیریت، جامعه‌شناسی، توسعه سازمانی و آموزش، نظریه‌های جدیدی ارائه نموده و گسترش پیدا کرده است. ابهام و پیچیدگی در مفاهیم، تخصصی بودن و زمان طولانی درمان در دیگر روش‌های روان‌درمانی باعث شد تا تحلیل رفتار متقابل با مفاهیم اساسی و واژه‌های ساده سریعاً جای‌گزین روش‌های روان‌درمانی قدیمی گردید. به همین جهت، تحلیل رفتار متقابل عمومیت یافته و هر جا که انسان‌ها حضور داشته و با یکدیگر ایجاد رابطه می‌نمودند کاربرد عملی پیدا کرد و ابزاری برای تغییر و حل مشکلات قرار گرفت. تحلیل رفتار یک مکتب علمی کاربردی می‌باشد [۹]. به عقیده انجمن بین‌المللی تحلیل رفتار متقابل، این تئوری یک تئوری روان‌درمانی شخصیت و اصولی جهت رشد و دگرگونی شخصیتی افراد می‌باشد.

۱- به عنوان تئوری شخصیت، تحلیل رفتار متقابل ساختار مردم را از نظر روان‌شناسی توصیف می‌کند. از آن جهت تشخیص بهترین مدل شناخت و مدل وضعیت درونی (والد، بالغ، کودک) استفاده می‌شود.

۲- این یک تئوری ارتباطی می‌باشد که می‌تواند در تحلیل سیستم‌ها و سازمان‌ها بسط داده شود [۱۰].

دکتر اریک برن، بانی نظریه «تحلیل رفتار متقابل»، این واحد علمی را تعریف و مشخص کرده است: هر گونه واحد آمیزش اجتماعی، یک «رفتار متقابل» نام دارد. هر وقت یک انسان با یک نفر یا بیشتر در تماس باشد، دیر یا زود یکی از آنها حرفی می‌زند، یا علامتی نشان می‌دهد که حضور دیگری را ثابت می‌کند. ما این را یک انگیزه رفتار متقابل می‌نامیم. سپس آن شخص

«متقابلاً» حرفی می‌زند، یا علامتی نشان می‌دهد، که به طریقی پاسخ به آن انگیزه است، و آن پاسخ رفتار متقابل نامیده می‌شود. «تحلیل رفتار متقابل»، روش بررسی این رفتار و اعمال است که در آن «من با تو کاری می‌کنم و تو هم در مقابل کاری با من می‌کنی» و در این میان معلوم می‌شود که کدام جنبه از شخصیت چند جنبه ای انسان دخالت داشته است. [۱۱-۲۱].

نمادهای «تحلیل رفتار متقابل»، سه دایره است که هر یک نمودار یک قسمت از شخصیت یک انسان است: «والد»، «بالغ» و «کودک». یک «رفتار متقابل» (یا تبادل) واحد اصلی رفتار است. شما چیزی به من می‌گویید یا کاری انجام می‌دهید و در مقابل، من چیزی به شما می‌گویم یا کاری انجام می‌دهم. «تحلیل رفتار متقابل» فهمیدن این واقعیت است که کدام یک از این سه قسمت شخصیت شما این تبادل رفتار را شروع می‌کند و کدام یک از سه قسمت شخصیت من پاسخ می‌دهد [۱۲-۲۲]. (نمودار ۲)



نمودار ۲: ساخت شخصیت انسان

حالت نفسانی «والد» شامل روش‌ها، سبک‌های محسوس و رفتارهایی است که از منابع خارجی و در اصل از والدین گرفته می‌شود. این حالت نفسانی عبارت است از ثبت احساس فرد از آنچه که افراد مهم در زندگی انجام داده اند [۱۳-۷]. «والد» شامل ضبتهایی است از آنچه انسان کوچک، طی دورانی که ما آن را پنج سال اول زندگی می‌نامیم، از اعمال و حرکات پدر و مادر خود (یا جانشین آنها) دیده است. این ضبتهای شامل حرفهای آنها نیز هست. ضبتهای عیناً و تصحیح نشده صورت می‌گیرد، زیرا طفل در آن زمان، در موقعیتی نیست که اعمال والدین نیرومندش را که برای همه چیز خود به آنها وابسته است، مورد سوال قرار دهد. در والد، مفهوم «آموخته شده» و «نشان داده شده» زندگی ضبط است. سنت‌ها و ارزش‌ها نیز در «والد» قرار دارد. «والد» دارای تاریخ است. طرز فکر امروز والدین شما ممکن است همان «والد»ی نباشد که در مغز شما است. «والد» پاک شدنی نیست. «والد» هم تغذیه کننده است و هم عیب گیر [۱۱-۲۶].

حالت نفسانی «بالغ» عیناً واقعیت را ارزیابی می‌کند. به این منظور، اطلاعاتی را از تمام منابع چه داخلی - یعنی از سایر حالات نفسانی (کودک و والد) - و چه از جهان خارج، جمع آوری و ذخیره کرده و مورد استفاده قرار می‌دهد. «بالغ» از این اطلاعات در جهت ساختن گزارش‌ها و برآورد احتمالات استفاده می‌کند. اغلب «بالغ» را کامپیوتر می‌نامند زیرا مانند یک کامپیوتر دیجیتال عمل می‌کند مثلاً منطقاً و بدون احساس اطلاعاتی را که به دست آورده است محاسبه می‌کند [۱۳-۸]. «بالغ» فکر می‌کند و دلیل می‌آورد و پیش بینی می‌کند و چگونگی انجام کارها را کشف می‌کند. «بالغ» به تدریج به تأمل درباره نتایج و پیامد کارها می‌پردازد. یکی از وظایف مهم «بالغ» امروزی کردن «والد» است [۱۱-۳۰].

حالت نفسانی «کودک» شامل کلیه امیال افراطی و احساساتی است که به طور طبیعی برای فرد به وجود می‌آید. تحرکات و احساسات مختلف در سنین مختلف بروز می‌کند. به این ترتیب یک کودک دارای احساسات و خواسته های ذاتی خاصی است که حداقل در طی دوران جوانی و بلوغ که به تدریج سیستم های عصبی و هورمونی او گسترش می‌یابد تغییر می‌کند. علاوه بر این، حالات احساسی طبیعی یا ذاتی «کودک» شامل ثبت احساسات اولیه است و اینکه چگونه در مقابل آن احساسات واکنش نشان می‌دهد [۱۳-۸]. هم‌زمان با ضبط اطلاعات رویدادهای خارجی در آنچه که ما آن را «والد» نامیدیم ضبط دیگری

نیز صورت می‌گیرد و آن ضبط رویدادهای «درونی» یا به عبارت دیگر، پاسخ یا عکس العمل انسان کوچک (یا احساس او) نسبت به آن چیزهایی است که می‌بیند و می‌شنود. همین واحد از مجموعه اطلاعات «دیدن و شنیدن و احساس کردن و فهمیدن» است که ما آن را به عنوان جنبه «کودک» تعریف می‌کنیم [۱۲-۳۵]. به طور کلی این الگو می‌گوید وقتی که من دارم فکر می‌کنم در «بالغ» خود هستم، وقتی دارم احساس می‌کنم در «کودک» خود هستم و زمانی که دارم قضاوتی اخلاقی و ارزشی می‌کنم در «والد» خود هستم. یا به عبارت دیگر «والد» حاوی دستورات، بکن نکن‌ها و باید و نبایدها، سرزنش‌ها است. «بالغ» تحلیل‌گر و حساب‌گر و «کودک»، حاوی احساسات و عواطف و به عبارتی عامیانه (چی حال می‌ده و چی حال نمی‌ده) می‌باشد.

به طور سنتی تاکید در روان‌شناسی محیطی بر این بوده است که چگونه رفتار، احساسات و حس تندرستی انسان تحت تأثیر محیط فیزیکی قرار می‌گیرد. مطالعات ابتدایی بر این تأکید داشتند که چگونه محیط‌های انسان ساخته، مثل ساختمان‌ها و شهرها بر رفتار تأثیر می‌گذارند، به ویژه زمانی که این محیط‌های ساختمانی به ازدحام یا به قول میلگرام، اضافه بار حسی منجر شود [۱۴-۲]. مشاهده دقیق فعالیت‌های اجتماعی فی‌البداهه، چنین آشکار می‌کند که گه‌گاه حالات و دیدگاه‌ها و لحن صدا و کلمات و سایر جنبه‌های رفتار مردم، تغییرات قابل توجهی پیدا می‌کند. این تغییرات رفتاری، اغلب با تغییرات احساسی همراه است. در هر فرد، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری خاص، معرف یک حالت روانی اوست، حال آنکه همین فرد در حالت روانی متفاوتی، الگوی رفتاری دیگری بروز می‌دهد که غالباً متناقض با قبلی است. این تغییرات و تفاوت‌ها سبب پیدایش فرضیه حالات من‌گردیده است [۱۵-۱۹]. فردی که دارای احساسات سالم باشد قادر است به میل خود انرژی خود را در یکی از حالات نفسانی متمرکز نماید. او آن حالتی را انتخاب می‌کند که به نظر می‌رسد در وضعیت موجود بهترین عملکرد را دارد [۱۳-۲۱]. هر سه جنبه شخصیت، ارزش حیاتی و زیستی بسیار زیادی دارند و فقط هر گاه یکی از آنها نظم و تعادل بقیه را بر هم زند، لزوم تجزیه و تحلیل این اختلال و تنظیم مجدد احساس می‌شود. در غیر این صورت، هر یک از سه جنبه «والد» و «بالغ» و «کودک»، دارای ارزش مساوی‌اند و در زندگی کامل و بارور، جای خود را دارند [۱۵-۲۵]. افرادی که بتوانند تعادلی در سه «حالت درونی» خود برقرار سازند و آنها را با هم پیش برند، از نظر روانی افرادی سالم هستند و می‌توانند بهترین ارتباط با افراد دیگر و همچنین محیط پیرامونشان برقرار نمایند. در اینجا به ارائه چند نظریه دیگر در رابطه با موضوع و نقش توجه به افراد و شهروندان در بهبود شرایط محیطی شان می‌پردازیم:

یکی از این نظریه‌ها "نظریه انتقادی برنامه ریزی" می‌باشد که بر پایه مکتب انتقادی، به انتقاد از جوامع موجود می‌پردازد و خود را همچون تحلیل‌هنجارین می‌نمایاند، یعنی تحلیلی که با ماهیت اجتماعی برنامه ریزی سر و کار دارد، و آگاهانه در جستجوی گذر از وضعیت موجود (ونه ابقای آن) است [۱۶-۷۰]. از نظر پاتریک گدیس، شهرسازی از دیدگاه عملی و به عنوان یک علم کاربردی، می‌باید از طریق تجربه‌گرایی بسط داده شود، و به هنری همیشه کارا تبدیل شود که قادر باشد زندگی شهری را بهبود بخشد و در تحول آن سهم داشته باشد [۱۷-۳۴۳]. ویلیام وایت نیز به ضرورت شناخت رفتار، در فضای شهری اشاره می‌کند و به مطالعه همه جانبه رفتار شهروندان در فضای شهری و نحوه ارتباط فضا با افراد می‌پردازد. به باور وایت، کار طراحی را می‌باید از فهم روشی که مردم از فضاها استفاده می‌کنند آغاز نمود. او همواره تأکید می‌کند که مردم با پاهای خود رأی می‌دهند و در واقع آنها از فضاهایی استفاده می‌کنند که در آن آسوده باشند و از فضاهایی که چنین نباشد، می‌گریزند [۱۸-۴۲۹]. لئونارد دوهل، روان‌پزشک و استاد یار روان‌پزشکی در دانشگاه جرج واشنگتن، معتقد است که از همان آغاز، مجموعه‌های زیستی به منظور جواب‌گویی به نیازهای مادی و روانی افراد، خانوارها و گروه‌های اجتماعی شکل گرفته‌اند. ریخت‌شناسی کالبدی هر گونه اجتماعی، بیانگر نیازهای روانی و نظام‌های ارزشی اعضای آن است [۱۷-۳۸۱].

از تئوری‌های دیگر مرتبط با موضوع می‌توان به تئوری‌های شهر پربازی (Playful city) و تئوری پست مدرن در مورد شهر اشاره نمود. در شهر پربازی، مسئولین شهر موظف به قرار دادن موقعیت‌ها و سیاست‌های بازی در دستور کار می‌شوند. توسط این عمل، شهر دارای کودکانی خشنود، سالم‌تر و باهوش‌تر خواهد شد. شهر پربازی، شهری سالم، متنوع و بسیار سودآور می‌باشد [۱۹]. شهر پربازی، شیوه‌ای از زندگی در شهرها است به منظور تشویق مردم به فعالیت بدنی، همراه با بازی و سرگرمی

های معماگونه با استفاده از روش های ابتکاری خاص، که در زندگی روزمره جای می گیرد. از دیدگاه پست مدرنیسم، شهرها به صورت استعاری و ناشناخته بودن کلیت شهر مطرح می شود (Metaphor). بدین منظور به غیر جدی بودن شهرها اشاره دارد که باید طوری باشد که افراد بتوانند با آن به راحتی برخورد نمایند.

گرچه ممکن است که انتقادهایی به غیر واقعی بودن محیطها و تصنعی بودن آنها وارد شود، لیکن آن، درست همان کیفیتی است که مورد توجه و علاقه مردم قرار می گیرد. چنین فضاهایی، توجه مردم را از بی عدالتیها و زشتیهای زندگی منحرف می سازد. ولی در مقابل می توان گفت که به خاطر جذابیتی که این فضاها ایجاد می کنند و به خاطر به وجود آوردن فضاهایی که مردم می توانند در آنجا در کنار خانواده و دوستان خود آرامش یافته و تفریح کنند، مورد استقبال قرار گرفته است [۲۰-۱۳۵].

۴. بحث و یافته ها

از مباحث بیان شده می توان به این نتیجه رسید که هر کاربری و فضای شهری برای آنکه بتواند بیشترین ارتباط را با مخاطبین خود برقرار سازد، لازم است که بتواند تمام حالات درونی مخاطبین خود را برآورده نماید، یعنی شرایطی فراهم آید که هر شخص، بتواند با هر حالت روانی که هست از آن فضا استفاده نماید. منظور این است که در یک فضای شهری پیش بینی هایی صورت پذیرد که آن مکان، پذیرای اقشار مختلف مردم با حالات درونی مختلف باشد و هر فرد در هر حالتی که باشد بتواند مکانی برای ارضاء آن بیابد. بدیهی است که فضاهای تک بعدی یعنی فضاهایی که تنها توانایی برآورده ساختن یک حالت درونی فرد و یا دو حالت درونی او را دارند نمی توانند پاسخی مناسب به افراد مختلف جامعه باشند.

چنین فضا و کاربری شهری می تواند موفق باشد و افراد مختلف را به درون خود کشانده و سبب رضایت مندی و آسایش ساکنین شهر را فراهم آورد. به طور مثال، دانشگاه کاربری است که بیشتر به بایدها و نبایدها و آموزش توجه دارد و بیشتر قسمت «والد» افراد را هدف قرار می دهد. حال این دانشگاه، در صورتی که بتواند فضاها و مکانهایی که «بالغ» افراد را تحت پوشش قرار دهد مثل کتابخانه و سایت های کامپیوتر یا اتاق فکر همچنین برآورده کننده «کودک» افراد باشد مثل قرار دادن رستوران، بوفه، کافی شاپ. در این صورت موفق تر خواهد بود.

کاربری اداری را نیز به همین منوال می توان پویا تر نمود. یک کارمند اداره که از صبح تا عصر فقط پشت میز می نشیند و به بررسی پرونده ها یا حسابرسی می پردازد. در این اداره، فقط «بالغ» فرد به کار گرفته شده، حال آنکه اگر در همان اداره ساعتی میان کار تعطیل شود و کارمندان در فضایی مخصوص به خوردن غذا، استراحت و گپ و گفتگو و خواندن روزنامه بپردازند و جنبه های «والد» و «کودک» خود را نیز بهروراندند به طور قطع نتیجه و بازدهی افزایش می یابد.

یک پارک شهری بیشتر برآورده کننده «کودک» افراد است. حال آنکه قرار دادن بازیها و حتی فضاهایی برای تفکر و تامل و گپ و گفتگو و آموزش و فضاهایی از این قبیل در پارک که بتواند روی جنبه های «بالغ» و «والد» کودکان و یا افراد بزرگسال با هر «حالت درونی» تأثیر گذارد. در این صورت وقتی که فضاهای مختلف پارک بتواند افراد مختلف با هر روحیه و نیازی را به درون خود بکشاند، پارکها شلوغ تر و پویا تر می گردد.

کاربری تجاری در صورتی که به صورت پاساژ و مراکز خرید باشد بیشتر مردم برای تفریح و سرگرمی و صرف اوقات فراغت می روند بنابراین برآورده کننده حالت درونی «کودک» مراجعین می باشد و در صورتی که مراکز خرید از نوع صنعتی باشند بیشتر با «بالغ» افراد سروکار دارد. با اضافه کردن فضایی نظیر رستوران، کافی شاپ، فضای بازی کودکان. همچنین فضاهایی مثل مرکز کامپیوتر، کافی نت، کتابفروشیها، سرگرمی های فکری و شاید فضاهایی آموزشی مختصر و مفید بتوان هر سه جنبه از حالات درونی افراد را تحت پوشش قرار داد.

کاربری درمانی نیز بیشتر جنبه «بالغ» دارد. حال با طراحی و ایجاد فضاهای دیگر می توان سایر «حالات درونی» را ارضا نمود. به عنوان مثال، می توان مطب دکتر کودکان را به صورت «PLAYFUL» اجرا نمود. استفاده از رنگ آمیزی شاد و متنوع و

همین طور وسایل بازی برای کودکان، قرار دادن کتابفروشی، رستوران، فضاهای روباز جهت انتظار و گفتگو و ... می‌توانند ما را در رسیدن به هدف مورد نظر یاری دهند.

نتیجه فوق را می‌توان در دیگر فضاها و کاربری‌های شهر و حتی در کلیت شهر به طور کل تعمیم داد. به عنوان مثال در برلین، موزه‌ها محلی را جهت عرضه کتاب و کتابخانه اختصاص داده‌اند [۲۱]، همچنین یک ترمینال در کنار وظیفه حمل و نقل مسافر، می‌تواند فعالیت‌های جنبی مانند رستوران، کافی شاپ، سایت کامپیوتر، اتاق مادر و کودک و ... داشته باشد. نهایتاً یک شهر، باید بتواند برآورده کننده تمام نیاز افراد مختلف با هر «حالت درونی» باشد. در این صورت، شهر فعال و پویا و موفق می‌گردد و می‌تواند رضایت‌مندی تمام ساکنین خود را برآورده نماید. در چنین شهری شهروندان درآسودگی و آرامش روانی کامل می‌توانند به فعالیت‌های روزمره خود بپردازند.

۵. نتیجه گیری

هر فضا و کاربری شهری برای آنکه بتواند طیف گسترده‌ای از مراجین را در خود داشته باشد باید دارای مکان‌ها و زیرفضاهایی باشد که هر کدام برآورده کننده یک جنبه از «حالت درونی» افراد را و در کل آن فضا و کاربری شهری برآورده کننده تمام «حالات درونی» افراد مختلف و با هر «حالت درونی» باشد. در این صورت به فضاها و کاربری‌هایی فعال و مفید و قابل استفاده همگان دست می‌یابیم. یک شهر به طور کل برای آنکه بتواند سرزنده و پویا باشد، خود باید از فضاها و کاربری‌هایی تشکیل شود که برآورده کننده نیاز تمامی شهروندان با هر سن و سالی، هر فرهنگ و قومیتی و هر حالت روانی باشد. به عبارتی ساده در هر شهر باید طیف گسترده‌ای از فضاهای مختلف موجود باشد که هر کسی و با هر شرایط روحی بتواند فضای مورد نیاز خود را در شهر بیابد، با آن ارتباط برقرار نماید و با رضایت خاطر از آن به کار روزمره خود بپردازد. چنین شهری که ساکنین آن از لحاظ روحی و روانی ارضاء می‌گردند مسلماً فعال، سرزنده، پویا و سودآور خواهد بود. از نتایج دیگر این پروژه، می‌توان به نوعی ارتباط میان انواع «حالات درونی» انسان با کیفیت‌های موجود در فضاهای شهری و شهر به طور کل اشاره نمود. بدین منظور که هر یک از کیفیت‌ها بیشتر، با یکی از «حالات درونی» انسان ارتباط برقرار می‌نماید. بنابراین وجود کیفیت‌های شهری مناسب و بجا می‌تواند در ارتباط شهروندان با شهر و فضاهای شهری موثر و مفید باشد. جدول زیر این ارتباط را نشان می‌دهد. (جدول ۱)

جدول ۱: ارتباط میان کیفیت‌های فضای شهری و «حالات درونی» انسان

کیفیت‌های شهری	فضای	زیبایی	وحدت	هویت	هماهنگی	نظم	ماندگاری	پایداری	تغییرپذیری	خوانایی	سرزندگی	انعطاف پذیری	ایمنی	خاطره انگیزی
← شهری حالات درونی انسان ↓														
کودک		●									●			●
بالغ			●				●	●	●	●		●		
والد				●	●	●							●	

همان طور که قبلاً اشاره گردید، هر فضا و کاربری شهری، غالباً به یکی از جنبه‌های «حالات درونی» افراد می‌پردازد و بیان گردید که این فضاها و در مجموع شهر باید طوری برنامه‌ریزی و طراحی گردد که بتواند به دیگر جنبه‌های درونی افراد نیز بپردازد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد برای بهبود وضعیت شهرها، اقدام به شناسایی نیازهای شهروندان با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سایر شرایط منحصر به فرد آن گردد. آنگاه با اطلاع از نیازها، اقدام به برآوردن آن‌ها در قالب فضاهای کالبدی در شهر گردد. فضاهای مورد نیاز می‌تواند در قسمت‌های مختلف شهر و به صورت ترکیبی با سایر کاربری‌ها در نظر گرفته شود. در جدول زیر مهم‌ترین فضاها و کاربری‌های شهری، «حالت درونی» غالبی که آن فضا برای شهروندان دارد و همچنین شدت ایجاد این «حالت درونی» بیان شده است (جدول ۲). این جدول بیانگر این نکته است که هر کاربری شهری

کدام جنبه درونی انسان را بیشتر مورد هدف قرار می‌دهد و شدت ایجاد آن در فرد به چه میزان می‌باشد. با شناخت آن باید طوری برنامه ریزی گردد که هر فضا و کاربری بتوانند در کنار تأثیر غالب خود سایر جنبه های درونی انسان را نیز برآورده نماید (در قسمت بحث‌ها و یافته‌ها به طور اجمالی اشاره گردیده است).

جدول ۲: حالت درونی غالب و شدت آن برای هر کاربری و فضای شهری

فضا و کاربری شهری	حالت درونی غالب	شدت ایجاد حالت درونی	فضا و کاربری شهری	حالت درونی غالب	شدت ایجاد حالت درونی
دادگاه	والد	بسیار زیاد	آموزشی	والد	زیاد
زندان	والد	بسیار زیاد	درمانی	بالغ	بسیار زیاد
بانک	والد	زیاد	پارک	کودک	زیاد
اداره	والد	زیاد	فضای بازی کودک	بالغ	متوسط
فضای خرید	بالغ کودک	بسیار زیاد	فضای ورزشی	کودک	بسیار زیاد
		متوسط		بالغ	زیاد

- برای بهبود شهر و ارتباط مؤثر ساکنین با آن، چند مورد به اجمال بیان می‌گردد:
- ایجاد فضاهای گفتگو، اظهارنظر و صحبت کردن.
 - ایجاد فضاهایی جهت خلوت، راحتی و تفکر و تأمل.
 - ایجاد فضاهایی جهت رهایی از عقده های درونی و ایجاد آرامش (مانند آنچه در کشور انگلیس وجود دارد. در این کشور فضاهایی وجود دارد که افراد عصبانی در آن با شکستن وسایل چینی موجود در آن، خود را راحت می‌نمایند).
 - ایجاد فضاهایی جهت بازی‌های کودکان و مفرح و متنوع برای بزرگسالان و کودکان.
 - زیباسازی شهر با استفاده از رنگ‌های مفرح، کفسازی مناسب، نورپردازی و مبلمان خلاقانه طراحی شده، ایجاد جاذبه های بصری و در کل افزایش تنوع و سرزندگی در شهر.
 - و.....

منابع و مأخذ

- ۱- مدنی پور، علی؛ طراحی فضای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۹.
 - ۲- باتیسته، ژان و برنارد دزر؛ شهر، ترجمه دکتر علی اشرفی، تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۷۷.
 - ۳- داوودپور، زهره؛ کلان شهر تهران و سکونت‌گاه‌های خودرویی، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳.
 - ۴- پاکزاد، جهان‌شاه؛ مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، تهران: انتشارات شهیدی، ۱۳۸۵.
 - ۵- استوارت، یان و ون جونز؛ تحلیلی بر روان‌شناسی تجربی تحلیل روابط متقابل، ترجمه دکتر بهمن دادگستر، تهران: دایره، ۱۳۸۸.
 - ۶- سلطان زاده، حسین؛ فضاهای شهری دریافت های تاریخی ایران، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۵.
 - ۷- تیس-اونس، توماس؛ گونه شناسی فضا در شهرسازی، ترجمه دکتر مهشید شکوهی، تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۸۷.
 - ۸- شیعه، اسماعیل؛ کارگاه برنامه ریزی شهری، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶.
- ۹ - <http://mosbateman.blogfa.com/post-3083.aspx>
- 10- http://en.wikipedia.org/wiki/Talk:Transactional_analysis
- ۱۱- هریس، امی ب و تامس آ هریس؛ ماندن در وضعیت آخر، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: نشر فاخته، ۱۳۷۶.

- ۱۲- هریس، تامس آ؛ وضعیت آخر، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: نشر فاخته، ۱۳۷۶.
- ۱۳- وولمز، استانلی و دیگران؛ خلاصه ای جامع از تحلیل مبادلات به منظور درک رفتارهای انسان، ترجمه پروین عطیعی، تهران: دنیای نو، ۱۳۸۴.
- ۱۴- مک اندرو، فرانسیس تی؛ روانشناسی محیطی، ترجمه غلامرضا محمودی، تهران: نشر زرباف اصل، ۱۳۸۷.
- ۱۵- برن، اریک؛ بازی ها، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: نشر پیکان، ۱۳۷۹.
- ۱۶- عبدی دانشپور، زهره؛ درآمدی بر نظریه های برنامه ریزی با تاکید ویژه بر برنامه ریزی شهری، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۸۷.
- ۱۷- شوای، فرانسوا؛ شهرسازی تخیلات و واقعیات، ترجمه دکترسید محسن حبیبی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۸- پاکزاد، جهانشاه؛ سیراندیشه ها در شهرسازی(۲)، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۸۶.
- ۱۹ – www.kaboom.org.
- ۲۰- بحرینی، سید حسین؛ تجدد فراتجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- ۲۱- برنامه تلویزیونی باغ کاغذی، شبکه سه سیما، ۸۸/۹/۲۵، ساعت ۱۸.